



The Children Rights in the Arrangement of Suicide Operations Case Study: Boko Haram

Pedram Golchin¹, Aramesh Shahbazi^{1*} Phirouz Najafi¹

1. Department of Law, Faculty of Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In Today's world, at this very time when the need to realize human values is felt as never before in the international community, children should make the most of the totality of their human rights and a healthy and growing life. Despite the trend, abusing children, particularly in the form of terrorist activities and suicide operations, continues to gather pace. With the track of developments pertaining to the realization of the totality of human rights, the international community has endeavored in the form of various international documents to take invaluable and decisive steps in protecting children.

Method: This Research is of Theoretical Type and the Research Method is Descriptive-Analytical and the Method of Data Collection is Library and has Been Done by Referring to Documents, Books and Articles.

Ethical Considerations: In Order to Organize this Research, while Observing the Authenticity of the Texts, Honesty and Fidelity Have Been Observed.

Results: The states, international organizations and institutions and non-governmental human-right advocacy groups in modern, developed countries must help launch a novel human-rights movement to protect the disadvantaged strata, such as children and women. Finally, despite the arguments of human-rights activists and advocates of normative development in defense of the child soldiers' rights being noteworthy, the lack of meaningful improvements on this front may be because global public opinion is still not in tune with the problem of child soldiers. Experience suggests that when an issue reaches a critical level or the pressure from the public opinion and the civil society becomes overwhelming, the international community, in general and the government in particular, move towards normative development in international law. Drawing on library and online sources and international documents, this article aims to examine the children's rights and discuss how to effectively protect them against the crisis of terrorism and the effects of suicide operations on the physical and mental health of the child in the realm of international law.

Conclusion: Boko Haram's use of minors in various regions has caused adverse ethical, physical and psychological consequences for the children. The intensity of the crimes committed by this organization surpasses crimes of terrorist and rebel groups in the past. The available international documents on children help safeguard their rights and well-being, however, these documents lack powerful and effective legal sanctions. To overcome these shortcomings, the states must cooperate and show solidarity as active defenders of human rights and adopt the necessary measures.

Keywords: Child Rights; Suicide Child; Child Soldier; International Humanitarian Law; Boko Haram

Corresponding Author: Aramesh Shahbazi; **Email:** a.shahbazi@atu.ac.ir

Received: January 12, 2022; **Accepted:** August 01, 2022; **Published Online:** September 27, 2022

Please cite this article as:

Golchin P, Shahbazi A, Najaf P. The Children Rights in the Arrangement of Suicide Operations Case Study: Boko Haram. *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e4.

مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

حقوق کودکان در عملیات انتحاری: مطالعه موردی بوکوحرام

پدرام گلچین^۱ ID، آرامش شهبازی^{۱*} ID، فیروز نجفی^۱

۱. گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در جهان امروز و در شرایطی که لزوم تحقق ارزش‌های انسانی بیش از پیش در جامعه بین‌المللی احساس می‌شود، کودکان می‌بایست از جمیع حقوق بشری خود و یک زندگی سالم و رو به رشد برخوردار باشند. با وجود این روند سوءاستفاده از کودکان به ویژه در قالب فعالیت‌های تروریستی و عملیات انتحاری همچنان آهنگی رو به رشد دارد. جامعه بین‌المللی همراه با سیر تحولات مربوط به تحقق جمیع حق‌های بشری و در قالب اسناد بین‌المللی متعدد در تلاش بوده است تا در راستای صیانت از کودکان گام‌های ارزشمند و تعیین‌کننده را بردارد. هدف این مقاله با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و اسناد بین‌المللی، بررسی حقوق کودکان و چگونگی برقراری حمایت‌های مؤثر از آن‌ها در مواجهه با بحران تروریسم و آثار و پیامدهای عملیات انتحاری بر سلامت جسمی و روانی کودک در گستره حقوق بین‌الملل می‌باشد.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی و همچنین گروه‌های غیر دولتی حقوق بشری در کشورهای توسعه‌یافته و مدرن می‌بایست کمک کنند تا جریان حقوق بشری جدیدی در حمایت از اقشار ضعیف‌تر مثل کودکان، زنان و... ایجاد شود. در نهایت باید پذیرفت که اگرچه دلایل فعالان حقوق بشر و طرفداران توسعه‌هنجاری در خصوص حقوق کودک سرباز قابل تأمل است، اما عدم پیشرفت تلاش‌ها در این حوزه را می‌توان به این دلیل دانست که اولاً افکار عمومی جهانی هنوز به طور گسترده‌ای متوجه مسأله کودک سرباز نشده است. تجربه نشان می‌دهد جامعه بین‌المللی به طور کلی و دولت‌ها به طور خاص، زمانی که مسأله‌ای به حد بحران برسد و یا فشار افکار عمومی و جامعه مدنی بسیار زیاد باشد، نسبت به توسعه‌هنجاری در حقوق بین‌الملل اقدام می‌ورزند.

نتیجه‌گیری: استفاده بوکوحرام از کودکان در مناطق مختلف باعث شده که پیامدهای اخلاقی و جسمی و روانی برای کودکان به وجود بیاید. شدت جنایاتی که توسط این گروه صورت گرفته شده است، بیشتر از جنایاتی است که در گذشته توسط گروه‌های تروریستی و شورشی اتفاق افتاده است. اسناد بین‌المللی موجود در خصوص حمایت از کودکان مفید هستند، اما این اسناد دارای ضمانت اجرایی قوی و مؤثر نیستند، برای رفع این نقص دولت‌ها به عنوان تابعان فعال حقوق بین‌الملل باید با یکدیگر، همکاری و همبستگی کامل داشته باشند و در این زمینه اقداماتی را انجام بدهند.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ کودک انتحاری؛ کودک سرباز؛ حقوق بین‌الملل بشر دوستانه؛ بوکوحرام

نویسنده مسئول: آرامش شهبازی؛ پست الکترونیک: a.shahbazi@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Golchin P, Shahbazi A, Najaf P. The Children Rights in the Arrangement of Suicide Operations Case Study: Boko Haram. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e4.

مقدمه

حق حیات به عنوان نخستین حق از حقوق بنیادین بشر در اسناد بین‌المللی عام حقوق بشری محل اتفاق است. گسترش عملیات‌های انتحاری در سطح بین‌المللی می‌تواند در این حوزه از حقوق بین‌الملل بشر دخول کرده و سبب طرح چالش‌های حقوقی متعددی شود. بنابراین عملیات انتحاری مقوله‌ای است که می‌تواند در ارتباط با «سلب حیات از خود و دیگران» مطرح شود، موضوعی که در عصر حاضر به عنوان پدیده‌ای جدید و نوظهور و به صورت سازمان‌دهی شده یا بدون سازمان‌دهی و با اشکال و انگیزه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود.

سوءاستفاده از کودکان توسط گروه‌های تروریستی برای انجام عملیات انتحاری، ابعادی به مراتب خطرناک‌تر دارد، زیرا این گروه‌ها درک و فهم درستی نسبت به جنبه‌های اخلاقی این وقایع ندارند، علاوه بر این به خاطر اینکه کودکان کمتر مشکوک به نظر می‌رسند و عملیات انجام‌شده توسط آن‌ها موفق‌تر خواهد بود. امروزه تحقق حقوق کودک در سراسر جهان با معضلات و چالش‌های متعددی رو به روست و اکنون جامعه بین‌المللی نظاره‌گر قربانی شدن صدها و بلکه هزاران کودک بی‌گناه است. وجود این حملات و اقدامات در جوامع بشری کودکان را که آسیب‌پذیرتر از دیگران می‌باشند تحت تأثیر قرار داده و آثار شوم این حملات بیشترین و عمیق‌ترین تأثیرات خود را بر کودکان تحمیل می‌کند، کودکانی که در برنامه‌ریزی این حملات، در وضع قواعد و همچنین در مطالبه اجرای قواعدی که به صیانت از آن‌ها را در برابر هرگونه سوءاستفاده، از جمله عملیات تروریستی و انتحاری، می‌پردازد، دخالتی ندارند. این عملیات به طور طبیعی با خود زیان مادی، اخلاقی، انسانی فراوانی به بار می‌آورند و در مورد کودکان تمامی حقوق آنان را مورد هدف قرار می‌دهد: حق حیات، حق بودن با خانواده، حق تحصیل و...

لذا در این مقاله ضروری است که وضع نقض حقوق کودک در تدارک عملیات انتحاری توسط بوکوحرام و موضع حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر در برابر این

مسئله مورد بررسی قرار گرفته و تبیین گردد که چه اصول و قواعد حمایتی از کودک در برابر فجایعی نظیر عملیات تروریستی و انتحاری در گستره حقوق بین‌الملل قابل اعمال است و از سوی دیگر اصول و قواعد مذکور تا چه میزان تحقق یافته است. در این مقاله سعی بر آن است که این مسئله مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی و همچنین گروه‌های غیر دولتی حقوق بشری در کشورهای توسعه‌یافته و مدرن می‌بایست کمک کنند تا جریان حقوق بشری جدیدی در حمایت از اقشار ضعیف‌تر مثل کودکان، زنان و... ایجاد شود، در نهایت باید پذیرفت که اگرچه دلایل فعالان حقوق بشر و طرفداران توسعه‌هنجاری در خصوص حقوق کودک سرباز قابل تأمل است، اما عدم پیشرفت تلاش‌ها در این حوزه را می‌توان به این دلیل دانست که اولاً افکار عمومی جهانی هنوز به طور گسترده‌ای متوجه مسئله کودک سرباز نشده است. تجربه نشان می‌دهد جامعه بین‌المللی به طور کلی و دولت‌ها به طور خاص، زمانی که مسئله‌ای به حد بحران برسد و یا فشار افکار عمومی و جامعه مدنی بسیار زیاد باشد، نسبت به توسعه‌هنجاری در حقوق بین‌الملل اقدام می‌ورزند.

بحث

۱. اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک: کودکان آسیب‌پذیرترین بخش جوامع چه در زمان صلح و چه در زمان درگیری هستند. در زمان درگیری، کودکان در معرض تخریب،

۱-۲. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷: حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به عنوان مجموعه اصول و قواعد بین‌المللی حاکم بر رفتار نظامیان در خلال مخاصمات مسلحانه، محدودیت‌های نظامی و حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه و حقوق اساسی بشر در شرایط خشونت، مجموعه حقوقی و معیارهای ارزشمندی است که ریشه در تاریخ بشریت دارد. جامعه بین‌المللی پس از جنگ جهانی اول، حمایت خود را از کودکان آغاز کرده است. توجه خاص به کودکان، برای آینده جامعه بشری از اهمیت بسیاری برخوردار است. با وجود این با شروع جنگ جهانی دوم، از شهروندان که در میان آنان هزاران کودک بود، حمایت ویژه‌ای به عمل نیامد. پس از جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۹، جامعه بین‌المللی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را تصویب کرد که کنوانسیون چهارم آن درباره حمایت از اشخاص در حال جنگ بود و دربرگیرنده اصول و قواعدی درباره کودکان در زمان بروز مخاصمات مسلحانه است. در این میان توجه به کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و اصول و قواعد مصرح در آن، از جمله مواد ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۳۸، ۵۰، ۵۱، ۶۸، ۷۹، ۸۹ و علاوه بر آن، مواد ۷۰، ۷۷ و ۷۸ پروتکل اول الحاقی (۱۹۷۷ م.) به صورت مستقیم و غیر مستقیم مسأله حمایت از کودکان را مطرح می‌سازد. همچنین مواد ۴ و ۶ پروتکل دوم الحاقی (۱۹۷۷ م.) در عرصه مخاصمات غیر بین‌المللی نیز حقوقی را برای کودکان یادآور شده است (۴). ماده ۱۷ کنوانسیون چهارم ژنو تصریح می‌کند که طرفین مخاصمه باید امکانات لازم را برای عبور کودکان و زنان باردار و تازه‌ها از نواحی تحت محاصره فراهم کنند. همچنین در ماده ۲۳ آن آمده است که هر دولتی متعهد می‌شود که به تمام محموله‌های دارویی و بهداشتی اجازه عبور دهد. ماده ۲۴ کنوانسیون مزبور مقرر می‌کند: «دولت‌های متخاصم اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد که کودکان کمتر از ۱۵ سال که به علت جنگ، یتیم یا از خانواده خود جدا شده‌اند، به حال خود رها نگردند و در هر صورت در نگهداری و اجرای مذهب و آموزش آنان تسهیل شود (۵). آموزش آنان در صورت امکان به اشخاصی سپرده

آسیب‌های جسمی و روانی، جدایی از خانه و والدین و بالاخره مرگ هستند. از سوی دیگر با توجه به اینکه اکثر جنگ‌های معاصر، جنگ‌های داخلی هستند، آسیب‌پذیری کودکان در کنار دیگر غیر نظامیان به مراتب افزایش یافته است (۱).

۱-۱. از منظر حقوق بشر: اسناد حقوق بشری به مسأله حمایت از کودکان توجه خاصی مبذول داشته‌اند، به طوری که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و سپس در میثاقین ۱۹۶۶ ماده‌ای را به این امر اختصاص داده‌اند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از کودکان حفاظت می‌نماید (ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۳ ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ و بند ۶ ماده ۵ و ماده ۲۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ م.). بنابراین در حقوق بشر عام مسأله حمایت از کودک به ویژه حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی در مقابل استثمار، سوءاستفاده جنسی، اشتغال، قاچاق و... نمایانگر است. اسناد ذیل به روشنی گویای این مطلب هستند: اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ که سنگ بنا و پایه فعالیت‌های سازمان ملل و زمینه‌ساز تهیه و تدوین اسناد بعد از آن است، در اجلاس مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ توسط مجمع عمومی به تصویب رسید که در نتیجه آن یک مقدمه و ۱۰ اصل تصویب گردید. متعاقب آن کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ م.) به وجود آمد (۲). در مورد بحث حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک، حضور کودکان زیر ۱۵ سال در درگیری‌های مسلحانه را غیر قانونی اعلام کرده است. در این راستا همچنین در سال ۲۰۰۰ پروتکل اختیاری منضم به کنوانسیون حقوق کودک در مورد مشارکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و در سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد. به موجب این پروتکل منع ورود به درگیری‌های مسلحانه از ۱۵ سال به ۱۸ سال افزایش یافته و دولت‌ها موظف به اتخاذ تدابیر لازم برای کسب اطمینان از عدم ورود کودکان به درگیری‌های مسلحانه هستند (۳).

۱- کودکان، مورد احترام مخصوص خواهند بود و در مقابل هر شکل از حمله زشت، مورد حمایت قرار خواهند گرفت. کشورهای طرف درگیری باید برای آن‌ها، چه به دلیل سن یا هر دلیل دیگر، مراقبت و کمک لازم را فراهم کنند.

۲- طرفین درگیری باید «همه اقدامات ممکن» را برای آنکه کودکان زیر ۱۵ سال، شرکت مستقیم در منازعات نداشته باشند، معمول دارند و به ویژه از استخدام آن‌ها در نیروهای مسلح خودداری کنند. در استخدام کسانی که به سن ۱۵ سال رسیده، ولی هنوز به ۱۸ سالگی نرسیده‌اند، طرفین درگیری اولویت را به بزرگ‌ترها خواهند داد.

۳- اگر در موارد استثنایی، به رغم مفاد بند ۲، کودکانی که به ۱۵ سالگی نرسیده‌اند، در منازعات شرکت مستقیم نمایند و توسط طرف مقابل اسیر شوند، باید همچنان از حمایت ویژه مذکور در این ماده، چه زندانی و اسیر جنگی باشند یا نباشند، برخوردار گردند.

۴- کودکان هرگاه بنا به علل مربوط به مخاصمات مسلحانه، دستگیر، بازداشت یا زندانی شوند، باید در اقامتگاه‌هایی جدا از اقامتگاه‌های بزرگسالان نگهداری شوند، مگر اینکه همراه با خانواده خود باشند که در آن صورت مشمول مفاد مربوط به واحدهای خانوادگی مندرج در بند ۵ ماده ۷۵ می‌گردند.

۵- محکومیت به مرگ به دلیل ارتکاب جرمی مربوط به مخاصمه مسلحانه درباره افرادی که در زمان وقوع جرم کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند، اجرا نخواهد شد.

ماده ۷۸ پروتکل فوق نیز درباره انتقال کودکان به کشور دیگر است که جز به دلایل قانع‌کننده و الزام‌آور نباید انجام شود. علاوه بر این، طبق ماده ۴ پروتکل دوم، استخدام کودکان کمتر از پانزده سال را در نیروها یا گروه‌های مسلح ممنوع می‌کند، همچنانکه شرکت کودکان تا این سن را در مخاصمات مجاز نمی‌داند. در واقع مطابق ردیف «ج» بند ۳ ماده ۴، کودکان کمتر از پانزده سال نباید به استخدام نیروها یا گروه‌های مسلح درآیند و مجاز به شرکت در نبردها نیستند. این ممنوعیت هم مشارکت مستقیم آنان را دربر می‌گیرد و هم مشارکت غیر مستقیم در مخاصمه مانند مبادرت به جمع‌آوری

اطلاعات، انتقال و ابلاغ دستورهای نظامی و حمل مهمات و

خواهد شد که دارای آیین آموزش واحد باشند. دولت‌های متخاصم با پذیرایی این کودکان در کشور بی‌طرف در دوره جنگ یا موافقت دولت حامی (در صورتی که دولت حامی موجود باشد) و در صورتی که دولت‌های مذکور تضمین داشته باشند که اصول موصوف در بند اول رعایت خواهد شد، موافقت خواهند کرد. به علاوه سعی خواهند کرد اقدامات لازم را به عمل آورند که تشخیص هویت کلیه کودکان کمتر از ۱۲ سال به وسیله حمل یک پلاک هویت یا به هر وسیله دیگری مقدور باشد.» در ماده ۵۰ کنوانسیون چهارم نیز تصریح می‌کند: «دولت اشغال‌کننده با معاضدت مقامات ملی و محلی حسن اداره مؤسسات مخصوص پرستاری و تربیت اطفال را تسهیل خواهد کرد. همه‌گونه اقدامات لازم را برای تعیین هویت اطفال و ثبت نسب آن‌ها به عمل خواهند آورد. در هیچ حالی نمی‌تواند به تغییر وضع شخصی آن‌ها مبادرت کند یا آن‌ها را در تشکیلات و سازمان‌های تابعه خود وارد نماید. چنانچه مؤسسات محلی قادر نباشند کودکانی را که به علت جنگ، یتیم شده یا از خانواده خود جدا مانده‌اند، نگهداری و تربیت کنند، دولت اشغال‌کننده باید در صورت نبود خویشاوند نزدیک یا دولتی که بتواند این کار را تأمین نماید، اقدامات لازم جهت تأمین نگهداری و تربیت کودکان مذکور به وسیله اشخاصی که در صورت امکان هم ملیت و هم زبان و هم مذهب آنان باشند، به عمل آورد. دولت اشغال‌کننده نباید از اجرای اقدامات ممتازی که ممکن بود قبل از اشغال به نفع کودکان کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار و مادران اطفال کمتر از ۷ سال از حیث غذا و پرستاری‌های طبی و حفاظت از اثرات جنگ اتخاذ شود، ممانعت نماید» (۶). با این حال ضعف اصلی کنوانسیون‌های ژنو، اعمال آن فقط در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است و اینکه تعهد قطعی در غیر قانونی بودن استفاده از کودکان و استخدام آن‌ها در نیروهای مسلح را بیان نمی‌کنند و امکان سوءاستفاده دولت‌ها و نقض حقوق کودکان را عملاً فراهم می‌سازند، اسناد مورد نظر صرفاً از دولت‌ها می‌خواهند که اقدامات ممکن را به عمل آورند، بدین ترتیب از ابهام و عدم صراحت برخوردار هستند (۷).

بنا بر ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو:

سیاست‌هایی که منافع کودکان را تأمین می‌نماید، توجه خاصی مبذول گردد.

یکی از حقوقی که کنوانسیون فوق بر آن تأکید دارد، حق حیات کودک است. اهمیت این حق سبب شده است که کنوانسیون حقوق کودک نیز در ماده ۶ مقرر کند که «کشورهای طرف کنوانسیون حق ذاتی هر کودکی را برای حیات به رسمیت خواهند شناخت» و این حق نباید از طرف دولت‌ها به گونه‌ای محدود تفسیر شود.

ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک، در یک معاهده حقوق بشری یک ماده منحصر به فرد است. این ماده ناظر به وضعیت قانونی و اجتماعی کودکان است که از یکسو همانند بزرگسالان از استقلال کامل برخوردار نمی‌باشند و از سوی دیگر، موضوع حقوق هستند. حق کودکان مطابق ماده ۱۲ کنوانسیون یکی از اصول کلی با ارزش‌های بنیادین کنوانسیون قلمداد شده است. طبق بند ۱ این ماده «از سوی دولت‌های امضاکننده این کنوانسیون، حق کودکی که که توانایی ساختن نظر شخصی خودش را دارد، به رسمیت شناخته می‌شود. کودک در تمامی امور مربوط به خود، آزادی بیان و اظهار عقیده شخصی را که مطابق سن و رشد اوست، دارد.»

یکی دیگر از مباحث کنوانسیون مربوط به حضور کودکان در درگیری‌های مسلحانه است (۱۰). در این مورد کنوانسیون بیان می‌نماید که تمامی کشورهای متعهد به کنوانسیون بایستی جهت تضمین عدم شرکت افراد کمتر از ۱۵ سال در مخاصمات کلیه اقدامات لازم را به عمل آورند. علاوه بر تعهد به عدم استخدام افراد کمتر از ۱۵ سال، در مورد استخدام افراد بالای ۱۵ سال و زیر ۱۸ سال، بزرگ‌ترها مقدم خواهند بود (ماده ۳۸)، ضمناً دولت‌ها مکلفند به هنگام مخاصمات مسلحانه، جهت تضمین حمایت و محافظت کامل از کودکانی که تحت تأثیر جنگ قرار گرفته‌اند، اقدامات مساعد را به عمل آورند و از دولت‌ها می‌خواهد جهت بهبود وضعیت جسمی و روحی و سازش اجتماعی کودکان آسیب‌دیده از جنگ، شکنجه، بدرفتاری و استثمار اقدامات مقتضی را اتخاذ نمایند.

آذوقه برای رزمندگان، به علاوه هم قوای حکومتی مشمول این ممنوعیت هستند و هم گروه‌های مسلح شورشی که از سابقه به کارگیری کودکان سرباز برخوردارند. همانطور که در قسمت‌های قبلی توضیح داده شد، کودک سرباز ممکن است برای خدمات جنسی اجباری، به عنوان رزمنده، کارگر، پیک و آشپز مورد استفاده قرار گیرد. به نظر می‌رسد که حمایت مقرر در پروتکل دوم کامل‌تر از مفاد پروتکل اول الحاقی در همین زمینه باشد، چنانچه در بند ۲ ماده ۷۷ پروتکل ۱۹۷۷، ممنوعیت مستقیم شرکت در درگیری‌های مسلحانه مطرح شده که مفهوم مخالف آن این است که استفاده غیر مستقیم از کودکان برای شرکت در جنگ امکان‌پذیر است و بر این اساس، طرف درگیر بر اساس منطوق این ماده می‌تواند از کودکان در کارهایی مانند جاسوسی و خرابکاری استفاده کند، اما باید توجه داشت که این‌گونه اقدامات خطر بیشتری برای کودکان دارد (۸).

۳-۱. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹: کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۸۹ مهم‌ترین سند حمایت از کودکان است که قواعد حمایتی قابل توجهی را در خصوص این قشر بیان داشته است. ماده ۲ این کنوانسیون به اصل عدم تبعیض اشاره می‌کند، تعهد ناشی از اصل عدم تبعیض، دولت‌ها را ملزم می‌کند که به طور فعال هر کودک یا گروه‌های کودکان را که شناسایی و اعمال حقوق آن‌ها نیازمند اقدامات ویژه است، تعیین نمایند. ماده ۳ به اصل رعایت مصلحت کودک اشاره می‌کند، در ارتباط با اجرای عدالت در مورد کودکان بزه‌کار بر ممنوعیت شکنجه، بازداشت غیر قانونی و اعمال مجازات اعدام نسبت به آن‌ها و حق دسترسی کودک به مشاوره حقوقی تأکید می‌نماید (ماده ۳۷، بندهای «الف» تا «د» (۹) و به دولت‌ها توصیه می‌کند که در برخورد با کودکان مجرم رعایت عدالت نموده و منافع کودکان را در نظر گیرند و امکان دفاع و دسترسی به مشورت‌های قانونی را برای این‌گونه کودکان فراهم آورند (ماده ۴۰). همچنین اصل رعایت منافع کودکان باید در زمان طرح دعاوی مربوطه در دادگاه‌ها مد نظر قرار گرفته و در هنگام تخصیص بودجه دولتی نیز به معیارها و

کنوانسیون حقوق کودک در اصولی دیگر نوجوانان و به ویژه نوجوانان محروم از آزادی و اجرای عدالت کیفری را مورد بررسی قرار داده و بیان می‌دارد که سن مسئولیت کیفری نباید خیلی پایین در نظر گرفته شود و هیچ کودکی نباید تحت شکنجه و سایر رفتارهای خشونت‌آمیز قرار گیرد. مجازات اعدام یا حبس ابد، بدون امکان بخشودگی در مورد کودکان زیر ۱۸ سال نباید اعمال گردد (ماده ۳۷). همچنین بر منع بازداشت و حبس خودسرانه و غیر قانونی کودکان و ضرورت جداسازی زندان کودکان از زندان افراد بزرگسال تأکید می‌نماید. لزوم رفتار مناسب و مقتضی با کودکان مجرم و متهم و رعایت عدالت و شناسایی حق کودکان مجرم در دسترسی به مشاوره حقوقی و تکالیف دولت‌ها در این خصوص از مصادیق حمایت کنوانسیون از کودکانی است که در شرایط ویژه به سر می‌برند. در مواد ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ این کنوانسیون به حق مشارکت و آزادی‌های مدنی کودک اشاره شده است.

۴-۱. کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک ۱۹۹۹: هدف این کنوانسیون ریشه‌کن کردن بدترین اشکال کار کودک در سراسر جهان است. کنوانسیون، اعضا خود به ویژه دولت‌ها را ملزم به انجام اقدامات فوری می‌کند. سازمان بین‌المللی کار بخش عمده تمرکز و تلاش خود را بر الزام کشورها به اقدام فوری و مؤثر جهت ممنوعیت کار کودک به آن دسته از فعالیت‌های ناپسندی اطلاق می‌شود که انجام آن‌ها در شرایط عادی، مطلوب هیچ انسان متعارفی نیست.

بند «الف» ماده ۳ کنوانسیون، کار اجباری را از جمله مصادیق شیوه‌های مشابه بردگی دانسته است. کار اجباری آن‌گونه که در ماده ۲ کنوانسیون لغو کار اجباری ۱۹۳۰ تعریف شده، عبارت است از: هر نوع کار یا خدمتی که به زور از شخصی یا تهدید او به عقوبت و کیفر مطالبه شود و برای انجام آن، خود این شخص به اختیار داوطلب نشده باشد. این کنوانسیون در ادامه ماده فوق، مواردی را از تحت شمول این تعریف مستثنی می‌سازد، اما از لحاظ تعریف مزبور، فرقی میان کودک و بزرگ سال نیست. سازمان بین‌المللی کار، کنوانسیون دیگری را نیز

جهت تکمیل کنوانسیون مذکور و الزام دولت‌ها در تلاش بیشتر برای محو این شیوه مشابه بردگی در سال ۱۹۵۷ تحت عنوان (کنوانسیون لغو کار اجباری) به تصویب رساند. ماده ۳ (پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک راجع به فروش کودکان، روسپی‌گری و هرزه‌نگاری کودک)، همچنین دولت‌های پذیرنده را به جرم‌انگاری به کارگیری کودکان در کارهای اجباری مکلف نموده است (۱۱). کار اجباری کودکان می‌تواند مصادیق متعدد داشته باشد بند «الف» ماده ۳ کنوانسیون مورد بحث، استخدام اجباری کودکان برای استفاده در مخاصمه مسلحانه را مصادیقی بارز از کار اجباری ذکر می‌کند. در پروتکل فوق همچنان از دولت‌ها درخواست می‌شود که با نظارت مستمر و به کارگیری تمامی معیارهای لازم و مناسب برای ریشه‌کن کردن این‌گونه کارها اقدام نمایند (مواد ۶ و ۷). از آنجا که حفظ عالی‌ترین منفعت کودک، ممنوعیت مشارکت و به کارگیری کودکان کمتر از ۱۸ سال در مخاصمات مسلحانه را ایجاب می‌کند و عملکرد دولت‌ها و مجوز استفاده از کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال هم بر اساس کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۳۸) موجب حضور کودکان بسیاری در جبهه‌ها و میادین جنگ‌های خشونت‌بار زیادی به ویژه در قاره آفریقا (رواندا، سودان، سومالی و...) شده بود (۱۲)، در نهایت مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ پروتکل اختیاری شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه را تصویب و حداقل سن مشارکت اجباری را از ۱۵ سال (تعیین‌شده در ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک) به ۱۸ سال افزایش داد و به تعهد دولت‌ها به اتخاذ تدابیری برای جرم‌انگاری استخدام و به کارگیری افراد زیر ۱۸ سال و نیز حمایت ویژه از دواطلبان زیر ۱۸ سال و نیز ممنوعیت گروه‌های مسلح از استخدام افراد زیر ۱۸ سال تأکید نمود. لازم به ذکر است در بیست و هفتمین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ ویژه کودکان به دولت‌ها توصیه شده است برای توقف استخدام و استفاده از کودکان به عنوان سرباز در جهت پیوستن به این پروتکل و مقاوله‌نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار تسریع نمایند. قطع‌نامه شماره ۱۲۶۱ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ نیز با قاطعیت و شدت استخدام و استفاد از کودکان را

رزمنده، آشپز، پیغام‌بر، جاسوس و یا اهداف جنسی به کارگیری و یا استفاده می‌شود، کودک سرباز اطلاق می‌گردد (۱۷)، لذا کودک سرباز هر کودک پسر یا دختر زیر ۱۸ سالی است که به اجبار یا به زور و یا دواطلبانه سربازگیری می‌شود و یا در جنگ توسط نیروهای مسلح، شبه‌نظامی، واحدهای دفاع شهری یا دیگر گروه‌های مسلح مورد استفاده قرار می‌گیرد (۱۸).

کودکانی که از صلح و زندگی صلح آمیز به دور مانده‌اند، ناگزیر می‌شوند به سمت پذیرش نظم مسلط رایج که عبارت از جریان خشونت‌پروری است، کشیده شده و خود عنصری از مجموعه عناصر خشونت‌زا قرار بگیرند. سیستم مردسالانه حاکم بر فضای خانواده‌هایی که این نوع کودکان در آن پرورش می‌یابند، یکی از اساسی‌ترین عوامل کشیده‌شدن آن‌ها به خشونت است. کودکان انتحاری نه تنها به لحاظ انجماد باورهای تحریف‌شده مذهبی در پشت دیوارهای استیلائی مردان بر خانواده، بلکه از نقطه نظر ناامیدی از شکل‌گیری نسلی که به صلح بیانیدند و با جنگ مقابله کند، حاوی پیام‌های تکان‌دهنده‌ای است (۱۹).

انتحار در لغت به معنای خودکشی است و در اصطلاح برخلاف معنای لغوی آن که محدود به خودکشی می‌باشد، ابعادی گسترده‌تر پیدا کرده و با نام حمله انتحاری یا عملیات انتحاری مطرح می‌گردد. مراد از حمله یا عملیات انتحاری آن است که شخص برای دستیابی به یک هدف خاص در مرحله اول خود و در طبقات بعدی شخص یا اشخاص یا اهداف مادی و معنوی خاصی را از بین می‌برد، یعنی عامل انتحاری با اجرای یک سری اقدامات از پیش طراحی‌شده اهداف خرابکارانه یا جنایت‌کارانه را پیگیری نموده و علاوه بر خود، جان افراد دیگر را نیز می‌گیرد برای روشن‌شدن بهتر مطلب باید گفت که با بررسی عملیات‌های انتحاری که توسط گروه‌های تروریستی انجام می‌گیرد، می‌توان گفت که این عملیات‌ها غالباً در دو راستا صورت می‌گیرد، یا به منظور از بین‌بردن فرد یا افراد خاصی که عموماً شخصیت‌های مطرح و تأثیرگذار سیاسی را تشکیل می‌دهند و یا به منظور اهداف خاصی همچون ناامن

در مخاصمات مسلحانه محکوم می‌نماید. پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک راجع به دخالت کودکان در مخاصمات مسلحانه مصوب ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دولت‌های پذیرنده را به افزایش سن فوق تا ۱۸ سال ملزم می‌سازد.

۲. عملیات انتحاری و کودکان: یکی از پیامدهای سو وقایع تروریستی، آسیب‌های آن بر روح و روان انسان‌ها و به ویژه قربانیان مستقیم است. این آثار می‌تواند حتی تا سال‌ها همراه قربانی بوده و روند عادی زندگی قربانی را مختل کند (۱۳). در این میان، کودکان قربانی وقایع تروریستی، از آسیب‌های بیشتری رنج می‌برند، بدون آنکه خود بتوانند با این آسیب‌ها مقابله مؤثر کنند، همچنین از جمله رایج‌ترین وقایع در اثر حملات تروریستی، به ویژه در سال‌های گذشته و با توسعه شکل جدید تروریسم که همراه با پیدایش گروه‌های تروریستی مانند داعش، بوکوحرام، جبهه النصره و احرار الشام در خاورمیانه و آفریقا بوده است، آوارگی و جا به جایی مردم در تعداد بسیار است کودکان به دلیل آسیب‌پذیری خود بخش عمده‌ای از آوارگان را تشکیل می‌دهند (۱۴). کودکان آواره در دو گروه آوارگان داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شوند که گروه دوم تحت حمایت کمیساریای عالی پناهندگان قرار دارد (۱۵).

در تعریفی که ائتلاف بین‌المللی به منظور جلوگیری از استفاده از کودکان به عنوان سرباز ارائه داده (کودک سرباز) هر شخص زیر ۱۸ سال که عضو هر نیروی مسلح رسمی یا غیر رسمی دیگر در صورت وجود یا عدم وجود مخاصمه مسلحانه می‌باشد (۱۶). در پیش‌نویس اصول کیپ تاون در سال ۱۹۷۷ کودک سرباز هر شخص زیر ۱۸ سال را شامل می‌شود که به نوعی در نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح رسمی یا غیر رسمی با هر سمتی حضور دارد. بر مبنای این تعریف کودک سرباز شامل کودکانی نیست که سلاح به دست گرفته‌اند، بلکه کلیه کسانی که گروه‌های مسلح را همراهی می‌کنند را شامل می‌شود، از جمله آشپز و پیام‌رسان. در اصول پاریس مصوب سال ۲۰۰۷ نیز آمده است: «هر شخص زیر ۱۸ سال که توسط نیروها و گروه‌های مسلح در هر ظرفیتی، پسر و دختر، به عنوان

کردن فضای اجتماعی و سیاسی مورد نظر و برانگیختن ترس و وحشت عمومی، اقدام به عملیات انتحاری می‌کنند که اکثر این عملیات‌ها در یک بستر شهری به وقوع می‌پیوندد و به واسطه آن افراد مختلف از مردم کوچک و بزرگ، زن و مرد، زخمی و کشته می‌شوند (۲۰).

طبق بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی منع بمب‌گذاری تروریستی مصوب دسامبر ۱۹۹۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تروریست عبارت است از: «قاتل، کسی که با توسل به اعمال جنایت‌کارانه به ایجاد رعب و وحشت در مردم یا اشخاص یا دستجات معین می‌پردازد. هرگاه کسی عمداً و به طور غیر قانونی، یک وسیله انفجاری یا کشنده را در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی یا حکومتی، سیستم حمل و نقل عمومی یا در تأسیسات زیربنایی، جاسازی، منفجر یا شلیک کند، تروریست محسوب می‌شود» (۲۱).

یکی از فاجعه‌بارترین موارد سربازگیری کودکان در تاریخ معاصر جهان، به استفاده از کودکان نابالغ توسط خمر روج در جریان مخاصمات هند و چین در فاصله سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۷۹ بازمی‌گردد. در جریان جنگ‌های مزبور، کودکان برای انجام شکنجه و حتی فرآیند اعدام، تحت آموزش‌های دقیق و حساب‌شده قرار می‌گرفتند. بدین ترتیب کودکان نابالغ بدون آنکه قدرت تشخیص میان اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن دستورات مافوق خود را داشته باشند، به بازوی عملیاتی بسیار مطلوبی در راستای اهداف شوم فرماندهان خود تبدیل شدند. بر اساس گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر تخمین زده می‌شود بین ۲۰۰ هزار تا ۳۰۰ هزار کودک سرباز برای گروه‌های شورشی و نیروهای دولتی در سراسر جهان به فعالیت می‌پردازند. در کشورهایی از قبیل جمهوری دموکراتیک کنگو، سودان، اوگاندا، برمه، نپال، آفریقای جنوبی، برزیل، نیجریه و کلمبیا همچنان به نحو گسترده‌ای از کودکان سرباز در گروه‌های شبه‌نظامی و شورشی و یا نیروهای وابسته به حکومت مرکزی استفاده می‌شود (۲۲).

۳. اقدامات بوکوحرام در نقض حقوق کودکان: جمهوری

فدرال نیجریه در غرب آفریقا و پرجمعیت‌ترین کشور قاره

آفریقا است. نظام سیاسی آن شامل ۳۶ دولت ایالتی، ۷۷۴ دولت محلی و بیش از ۲۰۰ گروه قومی است (۲۳). هرچند این کشور به عنوان قدرت مسلط در غرب آسیا شناخته شده است و بزرگ‌ترین قدرت نظامی و اقتصادی در غرب آفریقا می‌باشد، اما در عین حال یک رابطه ویژه شکننده بین دولت و شهروندان آن وجود دارد (۲۴). خط سیر بحران‌های سیاسی و اجتماعی در نیجریه و از سوی دیگر بر اساس ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۷۷ حکایت از وقوع مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی در این کشور دارد (۲۵). در خصوص درگیری میان دولت نیجریه و شورشیان بوکوحرام، با توجه به اینکه دامنه عملیات این شورشیان تا ابوجا، پایتخت نیجریه و شهرهای اصلی مثل کانو در شمال مرکزی گسترش یافته است و توانسته‌اند بر ۷۰ درصد ایالت بورنو در شمال شرقی کشور و شهرها و روستاهای متعددی از ایالت‌های همسایه ادماوا و یوبی مسلط شوند و در عمل ارتش نیجریه را شکست دهند، سطح این درگیری‌ها را می‌توان به مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی تعبیر نمود. مخاصمات مسلحانه داخلی نیجریه موجب آواره‌شدن بیش از دو میلیون تن در شمال این کشور شده است (۲۶). تعریف ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو از مخاصمه غیر بین‌المللی بدین صورت است که چنین مخاصماتی ویژگی بین‌المللی را نداشته و در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح حکومتی و گروه‌های مسلح غیر بین‌المللی مطابق با ماده ۱ پروتکل الحاقی شماره ۲ همراه با تحقق شرایطی است و گروه‌های مسلح مخالف بایستی این شرایط را دارا باشند. شرایط مذکور عبارت از برخورداری از نیروهای مسلح سازمان‌یافته و دارا بودن یک فرمانده مسئول و نیز کنترل بخشی از قلمرو کشور می‌باشد، لذا می‌توان ادعانمود که مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی مخاصماتی هستند که در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح حکومت و گروه‌های مسلح مخالف و یا بین خود این گروه‌ها در یک مدت زمان متعارف رخ می‌دهند (۲۷).

بررسی شکل‌گیری گروه تروریستی بوکوحرام که بر محور امارت و با تکیه بر عضوگیری از مردم بومی نیجریه بنا نهاده

از (شهر داماساک) شهر کوچک شمال نیجریه ربوده‌اند. بنا بر گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر از آغاز غارتگری این افراط‌گرایان تاکنون بیش از ۵ هزار نفر که بیشتر آن‌ها بزرگسالان بوده‌اند، کشته شده‌اند و این‌گونه روز به روز بر شمار کودکان بی‌سرپرست و بی‌خانمان افزوده می‌شود. بسیاری از مدارس دولتی در شمال شرقی نیجریه تعطیل شده‌اند (۳۶).

بوکوحرام از سال ۲۰۱۲ بیش از ۳۰۰ مدرسه را در شمال نیجریه آتش زده و بیش از ۱۰ هزار کودک را از تحصیل محروم کرده است. ترس از کشته‌شدن و نداشتن حامی و سرپرست، بسیاری از کودکان نیجریه را مجبور کرده به درگیری‌های مسلحانه بپیوندند. بیشتر این سربازان نوجوان ۱۲ تا ۱۶ ساله هستند و سالانه بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. از سال ۲۰۱۴ گروه تروریستی بوکوحرام در نیجریه بیش از دو هزار زن و دختر جوان را ربوده است. این دختران به عنوان برده یا مجبور به ازدواج شده‌اند یا در حملات انتحاری از آن‌ها استفاده می‌شود (۳۷).

Salil Shetty دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل می‌گوید: شواهد این گزارش شوکه‌کننده روش‌های کثیف این گروه تروریستی را نشان می‌دهد. بوکوحرام به مردان و زنان، پسران و دختران مسیحی و مسلمان به طور وحشیانه تجاوز کرده یا آن‌ها را کشته است.

یونیسف گزارش می‌دهد کودکان در مناطقی که بوکوحرام فعال است، در معرض انواع خشونت، از جمله خشونت جنسی و قتل‌های بی‌رحمانه قرار می‌گیرند و مجبور می‌شوند تن به ازدواج با آدم‌ربایان بدهند. از کودکان به عنوان اسلحه هم استفاده می‌شود. آن‌ها ناچارند همراه با گروه بجنگند و گاهی از آن‌ها به عنوان بمب انسانی استفاده می‌شود و به عملیات انتحاری وادارشان می‌کنند. حمله‌ای که در ماه مارس اتفاق افتاد و یک دختر جوان خود را در بازاری در شمال نیجریه منفجر کرد و ۱۷ نفر را کشت از این نمونه است (۳۸).

یونیسف تخمین می‌زند حدود ۶۰ درصد از جمعیت ده میلیون و پانصد هزار نفری کودکان نیجریه از نعمت تحصیل محروم

شده است (۲۸). گواه آن است که بوکوحرام برآمده از نارضایتی نسبی است که در اثر سلطه بیش از دو قرن استعمار انباشته شده و به صورت سازمان‌دهی پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز بروز یافته است (۲۹). بوکوحرام به مانند سایر گروه‌های تروریستی منتسب به موج چهارم تروریسم بین‌المللی، با انجام نخستین هجوم انتحاری، صحنه امنیت داخلی نیجریه را به صورت فاجعه‌باری تغییر داد (۳۰). بوکوحرام از نیمه دوم سال ۲۰۱۱ نیروهای امنیتی وابسته به دولت و همچنین غیر نظامیان، از جمله کودکان، زنان و روحانیون مخالف را بارها هدف قرار داده است و در پی افزایش نفوذ این گروه در کشور مالی، حملات بوکوحرام در کشورهای همسایه نیز افزایش یافته است، به نحوی که بوکوحرام در سال ۲۰۱۴ عنوان مرگ‌بارترین گروه تروریستی جهان را به خود اختصاص داد (۳۱).

نکته قابل تأمل در این میان اینکه یکی از تاکتیک‌های نوینی که بوکوحرام در عملیات انتحاری اتخاذ کرده، بهره‌گیری از زنان و کودکان در عملیات‌های انتحاری است (۳۲). نخستین عملیات از موج جدید بمب‌گذاری انتحاری زنان در ۸ ژوئن ۲۰۱۴، توسط زنی میانسال در شهر گومبه انجام شد که در آن یک پلیس نیجریه‌ای کشته شد. از خونین‌ترین نوع این حملات انتحاری می‌توان به عملیات انتحاری ۲۷ نوامبر ۲۰۱۴ اشاره کرد که در بازار شهر مایدوگوری و به وسیله دو زن و کودکان همراهشان صورت گرفت. این عملیات انتحاری ۷۸ کشته و ده‌ها زخمی بر جای گذاشت (۳۳). در گزارش تحقیقاتی آمده است که بوکوحرام در حال استفاده از کودکان به عنوان عامل انتحاری است. از این منظر بوکوحرام در زمره گروه‌های تروریستی بوده است که در عملیات‌های انتحاری خود، بیشتر از زنان و کودکان به جای افراد ذکور استفاده می‌کند. پیشگام استفاده از کودکان در این نوع اقدامات نیز شده است (۳۴). بنا بر گزارش Marixie Mercado سخنگوی صندوق کودکان سازمان ملل متحد یونیسف گروه بوکوحرام فقط در سال ۲۰۱۷ از ۸۳ کودک به عنوان بمب انسانی استفاده کرده که دوسوم آنان دختر بودند (۳۵). بر اساس گزارشات تروریست‌های بوکوحرام بیش از ۴۰۰ زن و کودک را

عمومی صادر شد، از ماده ۱۴ تا ۱۷ به ضرورت و فوریت حمایت‌های دارویی، روانی و اجتماعی پرداخته است. در ماده ۴ کنوانسیون اروپایی در مورد خسارت‌زدایی از قربانیان جرائم خشونت‌بار که در ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳ در استراسبورگ به تصویب رسید، هزینه‌های پزشکی را نیز در شمار هزینه‌های خسارت‌زدایی دانسته است (۳۹).

۲-۴. ترمیم آسیب‌های روانی ناشی از تروریسم: از سوی دیگر آسیب‌های روحی و روانی که پس از حوادث تروریستی به کودکان قربانی این جرائم تحمیل می‌شود، ممکن است سال‌ها باقی بماند که در این خصوص لازم است حمایت‌های ویژه‌ای برای درمان این آسیب‌ها صورت گیرد.

برخی متخصصان روان‌شناسی بالینی بر این باورند که نشانه‌های عاطفی آسیب‌های روانی ناشی از حوادث خشونت‌بار مانند حوادث تروریستی عبارت است از: اندوه، افسردگی، اضطراب، ترس، زودرنجی، عصبانیت، ناامیدی، احساس گناه و عدم اعتماد به نفس. ممکن است در قربانیان هراس، بدخواهی، اختلال در خوراک و رفتار گسترش یابد. همچنین ممکن است قربانیان دچار آسیب‌های روانی شده و از نظر عاطفی آسیب ببینند و از نظر اجتماعی نیز دچار ناکارآمدی شوند. پژوهش‌های بالینی نشانگر آن است که این نوع بیماری روانی که «اختلال فشار روانی پس‌ضربه‌ای» نامیده می‌شود، در حدود ۳۰ درصد از قربانیان دچار آسیب‌های روانی، گسترش می‌یابد و ممکن است تا پایان عمر در بیمار باقی بماند (۴۰). برخی دیگر از متخصصان نیز چنین اظهار نموده‌اند که احساس و واکنش‌های مشترک ناشی از پس‌ضربه‌های روانی حوادث ناگوار، شامل مواردی است، از جمله اندوه، برآشفستگی، عصبانیت، ترس، بی‌حسی، فشار روانی، احساس درماندگی، احساس بی‌قراری یا وحشت‌زدگی، افسردگی یا کج‌خلقی، تغییر در اشتها، بدخواهی، کابوس‌دیدن، پرهیز از وضعیت‌هایی که یادآور روان زخمی وی باشد، مشکلات تمرکز و احساس گناه به خاطر زنده ماندن و یا فقدان صدمه در حادثه. وقتی کودکی شاهد فجایع ناگوار باشد، ممکن است دچار واکنش‌های وحشت‌زدگی ناشی از سراسیمه‌گی، هذیان‌گویی

هستند و حدود ۱۲ هزار دختر جوان که اعضای گروه بوکوحرام به آن‌ها تجاوز کرده‌اند، تحت مراقبت‌های درمانی به سر می‌برند.

زنان، دختران و به ویژه کودکانی که ارتش نیجریه از چنگ آدم‌ربایان بوکوحرام نجات می‌دهد، اغلب دچار آسیب‌های جدی روانی و بیماری‌های جسمی شده‌اند. حدود ۲۱۴ دختر ربوده شده که بسیاری از ایشان در سنین کمتر از ۱۸ سال هستند، توسط تروریست‌های بوکوحرام که به کمک ارتش نیجریه آزاد شده‌اند، دچار بارداری ناخواسته‌اند. تعدادی از آن‌ها هم پیش از آنکه ارتش نیجریه آزادشان کند، زایمان کرده‌اند، در حالی که خود هنوز کودک هستند. بسیاری از دختران نوجوان یا جوانی که کودکان حاصل از تجاوز تروریست‌های بوکوحرام را به دنیا می‌آورند، فرزندان خردسال خود را رها می‌کنند و در نتیجه این کودکان محروم از خانواده به طرق دیگری مورد سوءاستفاده گروه تروریستی بوکوحرام قرار می‌گیرند، از جمله اینکه در عملیات‌های انتحاری از این گروه از کودکان بی‌سرپرست، حداکثر سوءاستفاده به عمل می‌آید.

۴. بهره‌مندی از خدمات پزشکی، درمانی و دارویی برای کودکان در عملیات انتحاری: در نظام بین‌المللی حقوق بشر، اعم از زمان جنگ یا صلح، کلیه افراد از این حمایت‌های پزشکی، درمانی و دارویی بهره‌مند هستند. همچنین غیر نظامیان همواره و در عمل از حقوق بشر در زمان مخاصمه بهره‌مند هستند. به طور طبیعی کودکان نیز دارای وضعیت خاص هستند، مثل اشخاص دارای معلولیت یا زنان که مورد حمایت‌های قابل ملاحظه در زمان مخاصمات هستند.

۴-۱. حمایت‌های پزشکی: تروریسم بارزترین مصداق جرائم خشونت‌بار است که به تبع آن، قربانیان تروریسم نیز باید از حمایت‌های درمانی ویژه برخوردار باشند. حمایت از قربانیان تروریسم در قالب اقدام‌های پزشکی از جهت فوریت بزه‌دیدگان حادثه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بیانیه سازمان ملل با عنوان (اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت که در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ از سوی مجمع

در گفتار، لرزش، رفتارهای نامتعارف و یا خموشی و گنگی شود (۴۱).

۳-۴. ارائه خدمات مراقبتی و تأمین اجتماعی: افزون بر این مواد ۲۳، ۲۴، ۲۶ و ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک مربوط به حق بهداشت اولیه و سلامت و رفاه کودک که از اهم حقوق اجتماعی او است، می‌شود. به موجب این مواد کودک باید از خدمات مراقبتی دولت و خدمات تأمین اجتماعی برخوردار باشد و دولت‌ها باید حداکثر امکانات بهداشتی، تسهیلات درمانی و سطح زندگی مناسب را برای وی فراهم کنند و در این راستا باید در جهت کاهش مرگ و میر کودکان، مبارزه با سوءتغذیه، مراقبت‌های بهداشتی پیشگیرانه و... تلاش نمایند و خلاصه آنکه مراقبت‌های بهداشتی را قبل و بعد از تولد کودک اعمال و اجرا کنند و نیز در مورد کودکانی که نیازمند ارائه خدمات ویژه هستند (کودکان حاضر در اقدامات تروریستی و عملیات انتحاری) اقدامات حمایتی گسترده‌تری اعمال نمایند/

۵. مسئولیت بین‌المللی ناشی از اقدامات انتحاری علیه کودکان: در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، تردیدی در پذیرش این گزاره وجود ندارد که بازیگران و کنشگران غیر دولتی امروزه ملتزم به رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند و تفاوتی از این لحاظ میان دولت‌ها و کنشگران غیر دولتی وجود ندارد. بنابراین گروه‌ها و اعضای آن‌ها بابت اعمال متخلفانه خود دارای مسئولیت هستند. در واقع گفته می‌شود که همه گروه‌های شورشی که به آستانه خاصی از سازمان‌دهی، ثبات و کنترل مؤثر بر یک بخش از سرزمین دست یافته‌اند، دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند، لذا در مخاصمات مسلحانه داخلی، ملزم به مراعات قواعد مرتبط از حقوق بین‌الملل عرفی می‌باشند، البته از مفهوم شخصیت حقوق بین‌المللی تنها اهلیت دارا شدن حقوق و تکالیف منظور و مقصود می‌باشد و دارا شدن شخصیت حقوقی بین‌المللی به مفهوم بهره‌مندی از مشروعیت بین‌المللی نیست، چه آنکه بدیهی است که بازیگرانی همچون بوکوحرام به هیچ‌وجه از منظر مقررات بین‌المللی و رویه مسلم دولت‌ها به عنوان دولت مستقل پذیرفته نمی‌شود، هرچند که مدعی آن باشد.

در چارچوب حقوق مخاصمات مسلحانه داخلی، بوکوحرام در زیرمجموعه عنوان نیروهای مسلح مخالف قرار می‌گیرد و فعالیت‌های این‌گونه گروه‌ها علیه دولت مرکزی می‌تواند مصداق مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی بوده و مشمول ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ باشد. این ماده افزون بر مشتمل بودن بر یکسری تضمینات حداقلی، تأکیدی است بر اینکه مخاصمه داخلی به صورت کاملاً انحصاری در صلاحیت داخلی دولت‌ها قرار ندارد و پروتکل الحاقی دوم با تحقق شرایطی برخی از مخاصمات مسلحانه داخلی را زیر چتر خود گرفت. نقض فاحش ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا در چارچوب تعیین شده در حقوق بین‌الملل می‌تواند موجب مسئولیت کیفری شورشیان شود (بندهای «ج» و «د» ماده ۸ اساسنامه رم) (۴۲) به منظور تعیین معنای دقیق آن، آستانه رعایت قوانین مخاصمات مسلحانه مندرج در پروتکل دوم الحاقی می‌تواند راهنما قلمداد شود (۴۳). نیروهای مسلح مخالف بنا به تعریف مقرر در ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی، گروه‌های انسانی هستند که به طور سازمان‌یافته و تحت رهبری مسئول، در بخشی از قلمرو سرزمینی دولت مرکزی، علیه دولت مرکزی عملیات نظامی مشترک و مستمر انجام می‌دهند. بنابراین مسلحانه بودن، سازمان‌یافتگی و مبارزه علیه حکومت مرکزی از صفات کلیدی مفهوم نیروهای مسلح مخالف است.

طبق شرایطی و بر اساس ماده ۱۰ طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، دولت حاکم ممکن مسئول اقدامات گروه شورشی قرار بگیرد. به طور مثال دولت نیجریه، اما اصولاً دولت مسلط فعلی مسئول گروه‌های شورشی نیست، مگر در مواردی که اقدامات گروه شورشی را تلویحاً و یا صراحتاً تأیید بکند که در مورد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط بوکوحرام دولت نیجریه هیچ مسئولیتی ندارد و مسئولیت نقض حقوق بشر به ویژه حقوق کودک و حقوق بشردوستانه بر عهده خود بوکوحرام است. بر اساس ماده ۱۰ طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اگر گروه شورشی موفق بشود، بر

شورای امنیت نیز در قطعنامه‌های صادره، به تعهد و مسئولیت گروه‌ها و افراد شورشی در صورت نقض موازین حقوق بشر تأکید داشته است. اصولاً شورای امنیت بر این باور است که توسعه، صلح و امنیت و حقوق بشر عناصری مرتبط و مقوم یکدیگرند و نقض سیستماتیک و گسترده و وسیع حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر در وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه، تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی را شکل می‌دهد.

شورای امنیت به موجب قطعنامه دیگری نگرانی جامعه بین‌المللی را از حملات تروریستی و مستمر گروه بوکوحرام و وضعیت حقوق بشر در مناطقی که فعالیت بوکوحرام در آن‌ها متمرکز شده را اعلام کرده است. در این قطعنامه کلیه حملات تروریستی و نقض موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مانند قتل و سایر اشکال خشونت به کاررفته علیه غیر نظامیان، زنان و کودکان و عملیات گروگان‌گیری و غارت و به عقد ازدواج درآوردن اطفال و کودکان و ازدواج اجباری و تجاوز و بردگی جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی و سربازگیری و به کارگیری کودکان و... محکوم شده است.

شورای حقوق بشر نیز در قطعنامه ۲۱ مه ۲۰۱۵ تحت عنوان جنایات ارتكابی گروه تروریستی بوکوحرام و آثار آن در حقوق بشر در دولت‌های ذی‌ربط به جنایات ارتكابی و نقض فاحش موازین حقوق بشر از سوی شورشیان پرداخته است. در این قطعنامه با توجه به اینکه شورشیان بوکوحرام خود را پیرو تعالیم دین اسلام می‌دانند، بر این امر تأکید شده است که پیوند دادن تروریسم با هرگونه دین، جنسیت، تمدن یا گروه نژادی پذیرفتنی نیست. در بند ۳ این قطعنامه از همگان خواسته شده است که از شناسایی و اعطای هرگونه مشروعیتی به افعال تروریستی شورشیان بوکوحرام خودداری شود. همچنین تعهد بازیگران غیر دولتی به رعایت موازین شناخته شده حقوق بشر در رویه قضایی بین‌المللی نیز پذیرفته شده است. به طور کلی مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیر دولتی برای نقض حقوق بشر، تنها راه تحقق واقعی حمایت از حقوق بشر در سطح جهانی است (۴۵). بنابراین بوکوحرام نیز به عنوان بازیگر غیر دولتی موظف به رعایت قواعد و تعهدات حقوق بشر است.

بخشی از کشور تحت تسلط یک دولت مسلط شود و دولت جدید تشکیل بدهد، می‌تواند مسئول اقدامات خود باشد و مسئولیت خلاف قواعد بین‌الملل بر عهده دولت جدید خواهد بود، اما این مسأله نیز در مورد بوکوحرام صدق نمی‌کند، زیرا بوکوحرام نتوانست یک دولت طبق عرف جامعه بین‌المللی تشکیل بدهد و توسط سایر دولت‌ها نیز به رسمیت شناخته نشد. بنابراین تأکید ما بر مسئولیت بین‌المللی بوکوحرام به عنوان یک گروه شورشی غیر دولتی است. رفتارهای بوکوحرام در نیجریه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- رفتارهای ناقض حقوق بین‌الملل؛ ۲- رفتارهای متضمن اقدامات حکومتی و برای اداره کشور یا قسمتی از آنکه لزوماً نقض قوانین بین‌المللی نیست.

۵-۱. نقض اصول و قواعد حقوق بشر: قواعد حقوق بین‌الملل بشر هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ در خصوص دولت‌ها و سایر گروه‌های مسلح قابل اعمال است، زیرا نسبت میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در تضمین حقوق افراد انسانی، رابطه عموم و خصوص مطلق با عمومیت حقوق بشر و در برهه زمانی قابل اعمال است (۴۴). در نگاه اول شاید تصور شود که مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر فقط ناظر بر دولت‌هاست. طبق مفاد ماده ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تعهد مستقیم افراد اشاره می‌کند و هیچ یک از مقررات این اسناد متضمن حقی برای دولت، گروه‌ها یا افراد که به استناد آن بتوانند حقوق و آزادی‌های دیگران را تضییع یا محدود کنند، نیست. همچنین برخی اسناد حقوق بشری مانند کنوانسیون سرکوب و مجازات آپارتاید مصوب ۱۹۷۳، کنوانسیون مبارزه با ژنوساید مصوب ۱۹۴۸، کنوانسیون بین‌المللی رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی در ماده ۲، کنوانسیون منع و مجازات جنایات ژنوساید در مواد ۴، ۵ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به مسئولیت کیفری افراد اشاره کرده‌اند.

رفتارهای خود به ویژه به خاطر نقض حقوق کودک، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی قلمداد خواهد شد.

بنا به مراتب فوق و طبق طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع مسئولیت دولت‌ها گروه‌های شورشی مثل بوکوحرام با توجه به مواد ذیل در مواردی که نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را انجام دهد، مسئول شناخته خواهد شد:

ماده ۱۰ طرح پیش‌نویس، حاوی نکات قابل توجهی در خصوص انتساب رفتارهای شورشیان به دولت مرکزی است، اولاً مفاد ماده ۱۰ طرح پیش‌نویس در خصوص انتساب رفتار شورشیان موفق به دولت مرکزی است نه شورشیان شکست خورده. بنابراین طبق مفاد این ماده رفتار گروه‌های شورشی موفق اصولاً قابل انتساب به دولت مرکزی خواهد بود، اما در خصوص شورشیان شکست‌خورده به صراحت تعیین تکلیف نشده است؛ ثانیاً در این ماده هیچ‌گونه اشاره‌ای به مسأله مشروعیت جنبش شورشی نشده است، لذا مشروعیت یا عدم مشروعیت فعالیت جنبش شورشی در اجرای ماده ۱۰ تأثیرگذار نیست (۴۸)، به طوری که جنبش‌های شورشی که از طریق روش‌های دموکراتیک یا تروریستی برای کسب قدرت فعالیت می‌کنند، همگی مشمول این ماده هستند. بنابراین در خصوص اجرای ماده ۱۰ طرح پیش‌نویس در خصوص گروه‌های شورشی، مشروعیت یا عدم مشروعیت اهداف گروه شورشی مطرح نیست، بلکه موفقیت یا شکست آن‌ها مطرح است.

بنابراین در خصوص بوکوحرام به عنوان گروه شورشی شکست خورده نیز رفتارهای آنان قابل انتساب به دولت مرکزی نیجریه نیست، زیرا آن‌ها اولاً به عنوان مخالفان اصلی دولت مرکزی نیجریه فعالیت می‌کردند و منطقی‌اً دولت نیجریه نباید مسئول رفتارهای آن‌ها باشد؛ ثانیاً چون این گروه شورشی شکست خورده و قادر به ایجاد دولت جدید نشده است، به صراحت از قلمرو شمول ماده ۱۰ در خصوص شورشیان پیروز خارج است. کمیسیون حقوق بین‌الملل مدعی است که جنبش شورشی ممکن است خودش در قبال رفتار خود طبق حقوق بین‌الملل برای مثال برای نقض حقوق بشر دوستانه بین‌المللی نیروهای

گزارش‌های رسمی متعددی وجود دارد که بوکوحرام مرتکب نقض فاحش حقوق بشر در محدوده تحت کنترل خود در نیجریه شده است. کمیساریای حقوق بشر در گزارش خود مقرر داشت که اعضای بوکوحرام مرتکب ژنوساید و جنایت علیه بشریت علیه شهروندان نیجریه‌ای شده‌اند (۴۶). گزارش‌ها همچنین از حجم بالای آدم‌ربایی بالاخص کودک‌ربایی و استخدام آن‌ها به عنوان سرباز حکایت دارد.

تعهد بازیگران غیر دولتی به رعایت موازین شناخته‌شده حقوق بشر در رویه قضایی بین‌المللی نیز پذیرفته شده است. به طور کلی مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیر دولتی برای نقض حقوق بشر، تنها راه تحقق واقعی حمایت از حقوق بشر در سطح جهانی است (۴۷).

۵-۲. نقض اصول و قواعد حقوق بشردوستانه: نقض فاحش حقوق بشردوستانه جنایت جنگی محسوب می‌شود. بخش عمده جنایات بوکوحرام تحت این عنوان قابل طرح است. استفاده از انسان‌ها به عنوان سپر دفاعی، سربازگیری کودکان، عدم تفکیک بین نظامیان و غیر نظامیان، ناپدیدسازی گسترده افراد انسانی از موارد نقض حقوق بشردوستانه توسط بوکوحرام است. حملات و بمب‌گذاری‌های بوکوحرام بدون تفکیک بین نظامیان و غیر نظامیان کلیه افراد ساکن در آن منطقه را نابود می‌کرد.

جنایات بوکوحرام علیه کودکان به دو صورت انجام می‌گیرد: در حالت اول از کودکان به عنوان عاملان انتحاری استفاده می‌کنند که در نتیجه کودکان به عنوان عوامل تروریستی شناخته می‌شوند؛ در حالت دوم جنایاتی است که توسط سایر افراد نسبت به کودکان صورت می‌گیرد که در نتیجه کودکان به عنوان قربانیان حملات انتحاری شناخته می‌شوند. بنابراین قربانی هر دو حالت کودکان هستند. در خصوص آن دسته از رفتارهای بوکوحرام مثل رفتارهای جنایتکارانه بشری و بشردوستانه بر علیه کودکان و همچنین استفاده از کودکان در عملیات انتحاری که ذاتاً ناقض قوانین بین‌المللی هستند، طبق مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، بوکوحرام رأساً مسئول

است. همچنین ویژگی‌های جسمی، عاطفی، روانی و اجتماعی کودک ایجاب می‌کند که او علاوه بر حقوق اولیه انسانی از مراقبت‌ها و حمایت‌های قانونی بهره‌مند شود. علاوه بر این حقوق کودک شامل حقوق مالی و حقوق غیر مالی یا معنوی نیز می‌شود.

با توجه به اصول مذکور در منشور سازمان ملل متحد شالوده آزادی، عدالت و صلح جهانی همانا به رسمیت‌شناختن منزلت ذاتی و حقوق مساوی و غیر قابل انکار همه اعضای خانواده بشری است و با توجه به اینکه کودک باید برای زندگی فردی در اجتماع آمادگی کامل پیدا کند و در سایه آرمان‌های اعلام‌شده در منشور سازمان ملل متحد به ویژه صلح، عزت، برابری و همبستگی بزرگ شود و با اذعان به اهمیت همکاری‌های بین‌المللی برای بهبود شرایط زندگی کلیه کشورهای عضو در کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ به توافقاتی نائل و مکلف به اجرای قوانین مندرج در پیمان‌نامه فوق گردیدند.

جامعه جهانی در سال‌های گذشته به طور گسترده با استخدام کودکان توسط گروه‌های تروریستی و افراطی مواجه شده است. کودکانی که توسط گروه‌های تروریستی و افراطی خشن جذب می‌شوند، مورد سوءاستفاده و بهره‌برداری قرار می‌گیرند. در واقع کودکان قربانیان خشونت‌های شدید این گروه‌ها می‌شوند، خشونت‌هایی مثل بردگی، استثمار جنسی، قرارگرفتن در معرض ترس مداوم و فشار روانی. کودکان به دلیل سن کم و آسیب‌پذیری روانی به ابزارهای خطرناکی برای گروه‌های تروریستی و افراطی خشن مثل بوکوحرام تبدیل می‌شوند، زیرا این گروه‌ها از کودکان برای ارتکاب جرائمی مثل جنایت علیه بشریت، جرائم جنایی و اقدامات تروریستی و انتحاری استفاده می‌کنند. روش بوکوحرام برای جذب کودکان بسیار خطرناک است، به خاطر اینکه کودکانی که از نزدیک شاهد خشونت و اعمال خشونت‌آمیز بوده و به طور آگاهانه در اقدامات تروریستی و انتحاری مشارکت داشته‌اند اگر رها شوند، در آینده می‌توانند به عنوان تهدیدی برای امنیت و صلح بین‌الملل قلمداد شوند. بر طبق اسناد بین‌المللی و اسناد حقوق بشری استخدام و استثمار کودکان توسط گروه‌های تروریستی و افراطی خشن

خود مسئول قلمداد شود. شورشیان تا اندازه‌ای می‌توانند مسئولیت بین‌المللی داشته باشند. بنابراین شورشیانی که مرتکب نقض جدی حقوق بشر شده باشند، تحت عنوان جنایت علیه بشریت یا ژنوساید و شورشیانی که مرتکب نقض جدی حقوق بشردوستانه شده باشند، تحت عنوان جنایتکار جنگی مسئولیت کیفری دارند. در چنین صورتی آن‌ها ممکن است به موجب قوانین داخلی یا ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تحت پیگرد قرار گیرند، چراکه به محض اینکه گروه‌های شورشی دارای شخصیت حقوقی شدند، باید قواعد حقوق بشردوستانه را اجرا کنند و دولت مرکزی در قبال الزام آن‌ها به رعایت حقوق بشردوستانه مسئولیتی ندارد (۴۹). دلیل این امر کنترل مؤثر یا کلی گروه شورشی بر رفتار اعضای نیروهای نظامی وابسته به خود است، لذا امکان دارد بوکوحرام مستقلاً در قبال جنایات بین‌المللی خود در محاکم ملی نیجریه و محاکم بین‌المللی مسئولیت داشته باشد.

نهایتاً طبق قواعد حقوق بین‌الملل اصولاً دولت نیجریه در قبال رفتار بوکوحرام مسئول نیست، البته بوکوحرام نیز به جز در مورد نقض حقوق مخاصمات مسلحانه توسط نیروهای تحت فرمان خود، مسئولیت بین‌المللی ندارد.

۶. تحلیل حقوقی وضعیت کودکان در عملیات انتحاری

در گستره هنجارهای بین‌الملل: کودکی از مراحل بنیادین زندگی هر انسان در جامعه است. اگر این مرحله به خوبی شناخته شده و به طور مناسب پشت سر گذاشته شود، جامعه مملو از افرادی خواهد شد که قابلیت‌های لازم برای زندگی در وضعیتی مطلوب را دارند. کودکان از آن جهت که رقم بزرگی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و به عنوان مردان و زنان آینده، سرنوشت عالم را در دست خواهند گرفت، رسیدگی به وضعیت و تربیت و آموزش صحیح آن‌ها تأثیر زیادی در آینده جهان و به خصوص توسعه، صلح و آرامش جامعه بشری خواهد داشت. حقوق کودکان شامل حق حیات، حق بقا، حق بر ثبت نام، برقراری ارتباط با هر دو والدین، هویت انسانی و همچنین نیازهای اساسی برای حفاظت فیزیکی، مراقبت‌های بهداشتی و قوانین کیفری مناسب بر اساس سن رشد کودک

علاوه بر این موارد در زمینه پیشگیری از استخدام و استثمار کودکان توسط گروه‌های تروریستی باید راه کارهایی در زمینه پیشگیری و جلوگیری از ظهور و رشد گروه‌های تروریستی ارائه شود و در همین راستا مقابله با تروریسم باید همه‌جانبه باشد (۵۱).

۶-۲. تأمین حقوق کودک و برقراری حمایت‌های لازم از او در جامعه: زندگی برای کودکان در قلمرو تحت کنترل گروه تروریستی و افراطی بوکوحرام بسیار دشوار است، زیرا بسیاری از کودکان شاهد یا قربانی حملات هوایی، بمب‌گذاری و انواع خشونت‌های دیگر هستند همچنین مرگ یکی از اعضای خانواده برای کودکان استرس‌زا و بسیار دشوار است. علاوه بر این کودکانی که در قلمرو بوکوحرام زندگی می‌کنند، بیشتر از همسالان خود در سایر کشورها در معرض مرگ قرار دارند. بنابراین این کودکان به دلیل اینکه شاهد خشونت‌های زیادی هستند و در این اقدامات شرکت می‌کنند، از لحاظ روانی به شدت آسیب می‌بینند و رشد اخلاقی، عاطفی و اجتماعی آن‌ها دچار اختلال می‌شود، در نتیجه برای اینکه بتوان چنین کودکانی را مجدداً به جامعه برگرداند، باید بین مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان، سازمان‌ها و نهادهای حامی کودکان هماهنگی وجود داشته باشد. علاوه بر این نگهداری کودکان در یک محیط خانوادگی نقش مهمی در ادغام مجدد کودکان به جامعه دارد و این ادغام شامل حمایت‌های بهداشتی، روانی و فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای می‌شود.

۶-۳. رفع چالش بی‌تابیتی کودکان: کودکان متولدشده بدون تابعیت و هویت مشخص در قلمرو بوکوحرام بسیاراند. این کودکان از هرگونه خدمات بهداشتی، مسکن، آموزش صحیح محروم می‌باشند، به خاطر اینکه دارای هویت مشخصی نمی‌باشند و به همین دلیل هیچ دولتی این کودکان را به رسمیت نمی‌شناسد و این عدم شناسایی توسط سایر کشورها منجر به عدم دسترسی کودکان به حقوقشان، از جمله خدمات عمومی و اجتماعی می‌شود، در نتیجه رهاکردن این کودکان بدون داشتن آینده‌ای روشن، بدترین حالت ممکن خواهد بود، به خاطر اینکه امنیت کل جامعه جهانی در خطر خواهد بود.

نقض قوانین حقوق بشری و بین‌المللی است. همچنین یک نوع خشونت علیه کودکان محسوب می‌شود و از آنجایی که برای گروه تروریستی بوکوحرام اسناد بین‌المللی و حقوق بشری اهمیت چندانی ندارد، بنابراین این پدیده و عواقب آن باید به عنوان یک نگرانی بین‌المللی مورد توجه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری قرار گیرد و این نهادها و سازمان‌های حقوق بشری باید کلیه اقدامات را برای جلوگیری و مقابله با آن به کار گیرند و در این زمینه راهکارهایی برای محافظت از کودکان ارائه می‌شود از جمله (۵۰):

۶-۱. پیشگیری از عضویت کودکان در گروه‌های تروریستی: کودکانی که در معرض خشونت قرار می‌گیرند، دچار اختلالات شخصیتی، فکری و اجتماعی می‌شوند و در آینده در فعالیت‌های تروریستی و انتحاری مشارکت می‌کنند و درگیر می‌شوند. بنابراین عواقب خشونت نه تنها به کودکان آسیب وارد می‌کند، بلکه برای کل جامعه نیز هزینه‌هایی دربر دارد. در این مورد اسناد بین‌المللی و اسناد حقوق بشری و سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری محافظت گسترده از کودکان را در برابر هرگونه خشونت، از جمله استخدام و استثمار کودکان توسط گروه‌های تروریستی و افراطی مثل بوکوحرام تضمین می‌کنند. همچنین می‌توان به اقدامات عملی که توسط سازمان ملل متحد در این زمینه انجام شده، اشاره کرد. برای نمونه قطعنامه ۶۹/۱۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری است که مقرر می‌کند کلیه اقدامات خشونت‌آمیز علیه کودکان به شدت محکوم شده و مجدد بر وظیفه دولت تأکید کرده است. در واقع دولت‌ها موظف هستند کودکان را از هرگونه خشونت و استثمار توسط گروه‌های تروریستی محافظت کنند و تعهد بدهند که در هرگونه اقدام برای مبارزه با تروریسم کلیه تعهدات مربوط به حقوق کودک را طبق اسناد بین‌المللی و اسناد حقوق بشری رعایت کنند. همچنین کودکانی که با یک گروه تروریستی افراطی و خشن در ارتباط بوده‌اند، نباید توسط دولت‌ها مورد پیگرد و مجازات قرار گیرند، به خاطر اینکه این کودکان قربانی تروریسم هستند و باید با کودکان متناسب با حقوق بشر و انسانیت رفتار شود.

نتیجه‌گیری

استفاده بوکوحرام از کودکان در مناطق مختلف باعث شده که پیامدهای اخلاقی و جسمی و روانی برای کودکان به وجود بیاید. شدت جنایاتی که توسط این گروه صورت گرفته شده است، بیشتر از جنایاتی است که در گذشته توسط گروه‌های تروریستی و شورشی اتفاق افتاده است. اسناد بین‌المللی موجود در خصوص حمایت از کودکان مفید هستند، اما این اسناد دارای ضمانت اجرایی قوی و مؤثر نیستند برای رفع این نقص دولت‌ها به عنوان تابعان فعال حقوق بین‌الملل باید با یکدیگر، همکاری و همبستگی کامل داشته باشند و در این زمینه اقداماتی را انجام بدهند، در کنار دولت‌ها سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی و همچنین گروه‌های غیر دولتی حقوق بشری در کشورهای توسعه‌یافته و مدرن کمک کنند تا جریان حقوق بشری جدیدی در حمایت از اقشار ضعیف‌تر مثل کودکان، زنان و... ایجاد شود. در نهایت باید پذیرفت که اگرچه دلایل فعالان حقوق بشر و طرفداران توسعه هنجاری در خصوص حقوق کودک سرباز قابل تأمل است، اما عدم پیشرفت تلاش‌ها در این حوزه را می‌توان به این دلیل دانست که اولاً افکار عمومی جهانی هنوز به طور گسترده‌ای متوجه مسأله کودک سرباز نشده است. این ضعف شاید در وهله نخست به اطلاع‌رسانی ضعیف در حوزه حقوق کودک سرباز بازمی‌گردد. علیرغم تأکید اسناد موجود به لزوم آگاهی‌سازی در این حوزه، گزارش‌های دبیر کل و مجمع عمومی حاکی از عدم موفقیت در ترویج مباحث حقوق کودک سرباز در سطح جهانی است. به علاوه مسأله افزایش تعداد کودکان سرباز، اگرچه یک نگرانی جهانی است، اما یک بحران تلقی نشده است. تجربه نشان می‌دهد جامعه بین‌المللی به طور کلی و دولت‌ها به طور خاص، زمانی که مسأله‌ای به حد بحران برسد و یا فشار افکار عمومی و جامعه مدنی بسیار زیاد باشد، نسبت به توسعه هنجاری در حقوق بین‌الملل اقدام می‌ورزند.

اما دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری برای برگرداندن کودکان به کشورها باید با یک دیگر همکاری و همبستگی داشته باشند، اما در این راه با چالش‌هایی رو به رو هستند، مثل اینکه کودکانی که در قلمرو تحت کنترل بوکوحرام متولد شده‌اند، اسناد و مدارک آن‌ها در سطح بین‌المللی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد یا اینکه اسناد و مدارک شناسایی آن‌ها در جنگ نابود شده باشد یا ممکن است والدین خود را از دست داده باشند که در این صورت برای کودکانی که تابع آن‌ها بر اساس تابعیت پدر مشخص می‌شود، مشکل‌ساز خواهد بود، به خصوص در کشورهایی که تابعیت را بر اساس تابعیت پدر اعطا می‌کنند. بنابراین برای بازگشت کودکان به کشورهای مبدأ باید بین کشورها و سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای بین‌المللی حمایت‌کننده از کودکان مثل یونیسف و دفتر سازمان ملل متحد هماهنگی و تعامل وجود داشته باشد تا این کودکان بتوانند به کشورهای مبدأ برگردانند (۵۲).

از آنجایی که کودکان شاهد حملات تروریستی هستند، دچار پیامدهای روانی وخیمی می‌شوند. بوکوحرام با استفاده از کودکان در اقدامات تروریستی و حملات انتحاری علاوه بر پیامدهای روانی پیامدهای اخلاقی و جسمی گسترده‌ای برای کودکان نیز به وجود می‌آورد. همچنین بوکوحرام از نظر تأثیرگذاری بر کودکان با سایر گروه‌های تروریستی متفاوت است، به خاطر اینکه بوکوحرام کودکان را به عنوان منبع اصلی ادامه حیات خود می‌بیند و به کودکان آموزش می‌دهد که چگونه اقدامات تروریستی و انتحاری را به صورت داوطلبانه انجام بدهند، در نتیجه این کودکان قربانیان اقدامات گروه تروریستی بوکوحرام هستند. بنابراین باید اقدامات لازم انجام شود تا مانعی بر سر راه جذب و آموزش کودکان توسط بوکوحرام ایجاد و ایدئولوژی خشونت‌آمیز بوکوحرام باید نابود شود و ارتباط بوکوحرام با نسل بعدی قطع شود، زیرا بوکوحرام کودکان را به عنوان عوامل حفظ موجودیت خود می‌داند (۵۳).

مشارکت نویسندگان

پدرام گلچین: جمع‌آوری داده‌ها، نگارش و ویراستاری متن، تجزیه و تحلیل.

آرامش شهبازی: نظارت و ارزیابی بر جمع‌آوری داده‌ها، نگارش و ویراستاری متن، تجزیه و تحلیل نهایی.

فیروز نجفی: کمک به جمع‌آوری داده‌ها، نگارش متن.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

از این حیث با توجه به چالش‌ها، ابهامات موجود در زمینه حمایت از حقوق کودکان در وضعیت کودکان در عملیات انتحاری پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- ۱- مشروعیت‌زدایی از اقدامات تروریستی و انتحاری.
- ۲- از میان‌بردن منابع و ابزارهای شبکه‌های تروریستی و ایجاد اجماع بین‌المللی.
- ۳- قطع منابع مالی و نیروی انسانی و ریشه‌کن کردن ایدئولوژیک بوکوحرام.
- ۴- بهره‌گیری از راهبردهای حقوقی سخت و نرم و همگراکردن دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی علیه بوکوحرام.
- ۵- ترویج ارزش‌های حقوق بشری، مذهبی و دینی و رفع تبعیضات مذهبی.
- ۶- افزایش رفاه عمومی.
- ۷- همبستگی جامعه بین‌المللی و اقدامات فعالانه و واکنش سریع مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی، از جمله شورای امنیت ملل متحد و مجمع عمومی ملل متحد نسبت به اقدامات تروریستی علیه کودکان.
- ۸- بازنگری در اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک. پیشنهادات جهت جلوگیری از عضویت کودکان در بوکوحرام:
 - ۱- توسعه هنجارهای حقوق بشری و اصول و قواعد حقوق بین‌الملل در مورد حقوق کودک و حمایت‌های روانی.
 - ۲- رفع هرگونه تبعیض دینی و مذهبی و توجه به همگرایی و زیست مسالمت‌آمیز میان اقوام گوناگون و پیروان ادیان و مذاهب.
 - ۳- آموزش صحیح هنجارهای حقوق بین‌الملل بشر به ویژه اصول و قواعد مربوط به حقوق کودک در مراکز آموزشی و آموزش عالی و توجه به معنای اعتدال و ارزش‌های انسانی مانند مدارا و تحمل و پذیرش عقاید مختلف و شناخت تمامی حمایت‌های لازم و ضروری برای کودکان.
 - ۴- توجه به حقوق مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان به ویژه اقشار آسیب‌پذیر جامعه طبق میثاقین بین‌المللی حقوق بشر.

References

1. Ghaffari B. A Glance over the Convention on the Worst Forms of Child Labour. *Private Law Studies Quarterly*. 2009; 38(2): 244-249. [Persian]
2. Morovat M. Children's rights in armed conflict. *Public Law*. 2006; 8(18): 139-178. [Persian]
3. Aghazadeh J. The United Nations Security Council and Protecting Children in Armed Conflicts. *The Journal of Foreign Policy*. 2016; 30(2): 141-165. [Persian]
4. Jarvis L, Lister M. I read it in the FT: 'Everyday' knowledge of counter-terrorism and its articulation. Edited by L.Jarvis M, Lister M. *Critical Perspectives on Counter-terrorism*. Abingdon: Routledge; 2015. p.109-112.
5. Solis Gary D. *the Law of Armed Conflict: International Humanitarian Law in War*. Cambridge: Cambridge University Press; 2010.
6. Harway R. *Children and Armed Conflict: A Guide to International Humanitarian and Human rights Law*, (The Children and Armed Conflict Unit of Human Rights Center of University of Essex and International Bureau for Children Rights). Montreal: The International Bureau for Children's Rights; 2003.
7. Jarvis L. Toward a vernacular security studies: Origins, interlocutors, contributions and challenges. *International Studies Review*. 2017; 21(1): 107-126.
8. Pilloud C, Sandoz Y, Swinarski C, Zimmermann B. *Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to Geneva Conventions of 12 August 1949*. Geneva: International Committee of Red Cross; 1999.
9. Schabas W, Helmut S. *A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child*. Boston: Martinus Nijhoff Publisher; 2006. Art.37.
10. Rosen DM. *War and Childhood*. In: Rosen DM. *Armies of the Young: Child Soldiers in War and Terrorism*. London: Rutgers University Press; 2005.
11. Ost S. *Children Pornography and Sexual Grooming: Legal and Societal Responses*. Cambridge: Cambridge University Press; 2009.
12. Thompson C. *Beyond Civil Society, Child Soldiers as Citizens in Mozambique*. *Review of African Political Economy*. 2001; 26(80): 191-206.
13. Quosh C, Eloul L, Ajlani R. *Mental Health of Refugee and Displaced Persons in Syria and Surrounding Countries. A Systematic Review Intervention*. 2013; 11(3): 276-294.
14. Brett R. *Juvenile Justice, Counter-Terrorism and Children*. UN institute for Disarmament Research, Disarmament Forum. 2002; 3(38): 29-36.
15. Davidson JR, Hughes D, Blazer DG, Blazer DG, George LK. *Post-traumatic Stress Disorder in the Community: An Epidemiological Study*. *Psychol Med*. 1991; 21(3): 713-721.
16. Stoddard Frederik J, Gold J, Henderson SW, Merlino Joseph P, Norwood Ann, Post Jerrold M, Shanfield Stephen, Weine Stevan, Katz Craig L. *Psychiatry and Terrorism. The Journal of Nervous and Mental Disease*. 2011; 199 (8): 537-543.
17. UNHCR s *Guidelines on International Protection No.10: Claims to Refugee Status related to Military Service within the context of article 1 A (2) of the 1951 Convention and / or the 1967 Protocol relating to the Status of Refugees*. 2014. HCR/GIP/13/10/Corr. 1, para.40.
18. Javidzade H, Pourhassanzeive S. *Recruitment of children: A war crime*. Tehran: S.D.I.L; 2015. p.117-118. [Persian]
19. Malka H. *Must Innocents Die? The Islamic Debate over Suicide Attacks*. *Middle East Quarterly Spring*. 2003; 10(2): 19-28.
20. Aliakbari S, Davarzani H, Gholamalipour M. *The Decree of suicide operations in the context of Shi'a religion*. SHiraz: The Sixth International Conference on Civil Engineering, Architecture and Urban Economy Development; 2018. p.8, 2-24. [Persian]
21. Bagheri MJ. *Preemptive Defense*. Tehran: Imam Sadiq University; 2014. p.145-146. [Persian]
22. Taghizadeh Z, Hdavandi F. *A Legal Scrutiny through the First International Criminal Court regarding the Enlisting and Conscripting the Child Soldiers in National or International Armed conflict*. *Journal of Legal Research*. 2012; 11(22): 187-224. [Persian]
23. Thomson V. *Boko Haram and Islamic Fundamentalism in Nigeria*. *Global Security Studies*. 2012; 3(3): 46-60.
24. Forest J. *Confronting the Terrorism of Boko Haram in Nigeria*. Florida: Joint Special Operations University; 2012. p.23.
25. Okpaga A, Ugwu Chijioke S, Okechukwu I. *Activities of Boko Haram and Insecurity Question in Nigeria*. *Arabian Journal of Business and Management Review (OMAN Chapter)*. 2012; 1(9): 77-99.
26. Madike I. *Boko Haram: Rise of a Deadly Sect*. *National Mirror*. 19 JUN. 2011. Available at:

http://www.nationalmirroronline.net/sunday-mirror/big_read/14548.html. Last Visited Aug, 2022.

27. Shahbazi A, Berelian P. Investigation of Legitimacy of Foreign State Intervention in Non-International Armed Conflict: Deliberating about Yemen Crisis. *Journal of Legal Research*. 2018; 17(34): 7-36. [Persian]

28. Marshal R. Boko Haram and Resilience of Militant Islam in northern Nigeria. Oslo: NOREF Report; 2012. Available at: <https://www.files.ethz.ch/isn/147775/dc58a110fb362470133354efb8fee228.pdf>. Last Visited Aug, 2022.

29. Dehshiri M, Fayazi AR. Investigating the Role of Colonialism in the Formation of the Boko Haram Group from the Perspective of Tdrabtgr's Relative Deprivation Theory. *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*. 2018; 7(4): 1-31. [Persian]

30. Agbiboa DE. The Nigerian Burden: Religious identity, Conflict and the Current Terrorism of Boko Haram. *Conflict, Security & Development*. 2013; 13(1): 1-29.

31. Breen-Smyth M. Theorising the 'Suspect Community': Counter-terrorism, Security Practices and the Public Imagination. *Critical Studies on Terrorism*. 2014; 7(2): 223-240.

32. Labott E. US designates BokoHaram, its offshoot as terrorist organizations. CNN; 2014. Available: <https://www.cnn.com/2013/11/13/world/africa/boko-haram-us/index.html>. Last Visited Aug, 2022.

33. Weise C. The Islamic State West Africa Continues to Utilize Women as Suicide Bombers. *Fdd s Long War Jornal*. 2015. Available at: <https://www.longwarjournal.org/archives/2015/09/the-islamic-state-west-africa-continues-to-utilize-women-as-suicide-bombers.php>. Last Visited Aug, 2022.

34. Kriel R. Boko Haram Favors Women, Children as Suicide Bombers, Study, CNN, 2017. Available at: <https://www.cnn.com/2017/08/10/africa/boko-haram-women-children-suicide-bombers/index.html>. Last Visited Aug, 2022.

35. Loimeier R. Boko Haram: The development of a militant religious movement in Nigeria. *Africa Spectrum*. 2013; 47(2-3): 137-155.

36. Onuoha FC, Temilola G. Boko Haram's use of Female Suicide Bombing in Nigeria. *Al Jazeera Centre for Studies*. 2015. available at: <https://www.studies.aljazeera.net/en/reports/2015/03/2015317105714685938.html>. Last Visited Aug, 2022.

37. Chikwem FC. Boko Haram and Security Threat in Nigeria: A New Twist of Political Game in Town, *Review of Public Administration and Management*. 2013; 2(3): 143-157.

38. Alumona I. Understanding the crisis of development in Africa. *African Journal of Political Science and International Relations*. 2009; 3(9): 354-359.

39. European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crime, Strasbourg. 1983. Article.4.

40. Bassiouni MC. International Recognition of Victims Rights. *Human Rights Law Review*. 2006; 6(2): 203-279.

41. De Casadevante CF. *International Law of Victims*. Heidelberg: Springer; 2012. p.71.

42. Lindsay M. The Implementation and Enforcement of the Laws of Non-International Armed Conflict. *Journal of Conflict and Security Law*. 1998; 3(2): 163-195.

43. Heffes E, Frenkel BE. The International Responsibility of Non-State Armed Groups: In Search of the Applicable Rules. *Goettingen Journal of International Law*. 2017; 8(1): 39-72.

44. Available at: <https://www.un.org/press/en/2017/sc12998.doc.htm>. Last Visited Aug, 2022.

45. Santarelli NC. Non-State Actors' Human Rights Obligations and Responsibility under International Law. *Revista Electrónica De Estudios Internacionales*. 2008; 15(3): 1-10.

46. Available at: <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=50369#.VrGt16Nf3cs>. Last Visited March 20, 2018. Last Visited Aug, 2022.

47. Bongard P, Somer J. Monitoring Armed Non-State Actor Compliance With Humanitarian Norms. A Look at International Mechanisms and the Geneva Call Deed of Commitment, 93 *International Review of the Red Cross*. 2011; 93(883): 673-706.

48. Eatwell T. State Responsibility, 'Successful' Insurrectional Movements and Governments of National Reconciliation. London: ILA British Branch Spring Conference; 2016.

49. Nasu H. Status of Rebels in Non-International Armed Conflict, Edited by Bhuiyan JH. *Lexis Nexis: Butterworths*; 2009. p.5.

50. Al-Shamary A, Gilgamesh N. ISIL grooming children to be killers; Terrorists cross a new line, groom kids for brutality. *USA Today*, 12 March. 2015. Available at: <https://www.usatoday.com/>.

51. Handbook on Children Recruited and Exploited by Terrorist and Violent Extremist Groups: The Role of the Justice System. Vienna: United Nations Office on Drugs and Crime; 2017.
52. Almohammad A. ISIS Child Soldiers in Syria: The Structural and Predatory Recruitment, Enlistment, Pre-Training Indoctrination, Training and Deployment, The International Centre for Counter-Terrorism-The Hague. 2018; 8(14): 2-27.
53. Nyiayaana K. State legitimacy and the dynamics of identity-based conflicts in Nigeria. African Journal of Politics and Administrative Studies (AJPAS). 2021; 14(1): 105-114.